

اگر واژهٔ دین را به این معنای آن بگیریم که مستلزم رعایت دقیق نیروها، قوانین، اندیشه‌ها و آرمانهایی است که چندان نیرومندند که حرمت و ایمان برمی‌انگیزند. رمان می‌کوشد نشان دهد که انسان، گیج و خطاکار، با پیچیدگیهای زندگی روبه‌رو می‌شود که در میان آنها شاید عناصری باشد که بتوان آنها را الهی خواند. اگر انسان فطرتاً دینی باشد، رمان نمی‌تواند دین را نادیده بگیرد گرچه مضمون اصلی آن همچنان انسان خواهد بود.

رمان به تقریب چهارصد سال پیش پدید آمد. این شکل داستانی را می‌توان خلف حماسه (epic) دانست، که با انسان به مثابهٔ وجودی قهرمانی سر و کار داشت، و خلف رمانس (romance)، که فارغ از این بایستگی بود که شخصیت‌هایش از قوانین احتمالات متابعت کنند یا علل معین پیامدهای معمولشان را سبب گردند. رمان، که در نتیجهٔ رنسانس به عالم ادبیات پا نهاد و از نهضت اصلاح دین (Reformation) قویاً تأثیر پذیرفت، اقتضا می‌کرد که داستان به‌طور کلی محتمل باشد و شخصیت‌هایش بر حسب تجربهٔ متعارفی باور کردنی جلوه کنند. از رمان انتظار می‌رفت که داستانی باشد دربارهٔ آنچه بیشتر خوانندگان زندگی واقعی‌اش به حساب می‌آوردند، و چون اندیشه‌های مربوط به زندگی واقعی به نحو جدایی‌ناپذیری همبسته با چیزی است که بشر، در هر دوره‌ای از تاریخ، معمولاً آن را بدون چندان تفکری می‌پذیرد، رمان آئینهٔ جامعه شد و به‌همین دلیل آئینهٔ سرشت دورانی که رمان ناظر به آن بود. گرچه رمان نمی‌کوشد از موضوعهایی که کاملاً دینی است دوری جوید، کارمایهٔ اصلی آن را در این قلمرو بهتر است اخلاقی خواند.

اخلاقی را که رمان نویسان مطرح می‌سازند می‌توان در چند اصل اخلاقی کلی [یا موضوع کلی] خلاصه کرد: «خدا را نمی‌توان فریفت، زیرا هر کسی آن می‌درد که می‌کارد»؛ «خداوند می‌گوید انتقام از آن من است، من مکافات خواهم داد»؛ «سگ دیگر بار به قی خود باز گشته است و خنزیر شسته شده به کار غلطیدنش در گِل»؛ «انسان هیچ است، و اگر گمان کند که چیزی است خود را فریب داده است»^۵. اینها برخی از اصول اخلاقی متنبه‌ساز کتاب مقدس است که خمیرمایهٔ دهها رمان بوده است. این واقعیت که مجری بودن این قوانین عام را در زندگی روزمره می‌توان به چشم دید، و نیز این امر که قوانین عام مزبور حقایق روان‌شناختی‌اند، آنها را راهنمای رمان نویسی می‌سازد که لازم است، مثل هر هنرمند دیگری، مشاهده‌گری تیزبین باشد. او ممکن است این حقایق تلخ را با شوخ طبعی بیان کند، و بعضی از رمانهای به حق دینی به چشم جهانیان کتابهای با مزه‌ای جلوه کرده است، ولی اخلاق موجود در زیر ساخت آنها فراتر از بامزگی و خنده است.



نویسنده: رابرتسون دیویس
 مترجم: ناصر ایرانی

رمان نوعی هنر ادبی است که دین را به ندرت مضمون اصلی و آشکار خود قرار می‌دهد. برخی از کتابها که شبیه رمان اند چنین می‌کنند، ولی بهتر این است که آنها را آثار ارشادی خواند؛ آنها گرچه شاید از لطف اسلوب یا قوت ترغیب بهره‌مند باشند، خاستگاهشان هنری نیست تبلیغی است. رمان اصیل، حتی در ساده‌ترین گونه‌های آن، می‌کوشد که انسان را در جامعه نمایش دهد؛ هر آموزشی که محتملاً ملازم آن است، یا هر نتیجهٔ اخلاقی‌یی که محتملاً بدان اشارت دارد، در مرتبتی فروتر از این سائقهٔ هنری جای دارد. رمان نویسان بزرگ چه بسا مضمون‌هایی اختیار می‌کنند که واجد مفاهیم ضمنی دینی‌اند، ولی این مفاهیم ضمنی پوشیده بیان می‌شوند و در عمل و تفکر [شخصیت‌های داستان] بروز می‌یابند نه در پند و اندرز مستقیم. برای آنکه درک درستی از پیوند رمان و دین پیدا کنیم می‌بایست پوست اثر هنری را بشکافیم و به مغز آن بنگریم، و نمی‌بایست در انتظار هم‌رایی نام و تمام رمان با هیچ صورتی از مذهب رسمی (orthodoxy) باشیم.

نمی‌خواهیم بگوییم که آب رمان و دین به یک جوی نمی‌رود-



سروانتس

می کند، به سبب حبس نا عادلانه‌ای چنان ژرف نگر می شود که از شقاوتی که بخشی از جامعه اوست کاملاً آگاهی می یابد. این نکته از لحاظ مضمون مورد بحث ما واجد اهمیت است که آقای پیکویک به یمن وجود نوکرش، سام ولر^۷، همچنان که دون کیشوت به یمن وجود ندیم روستایی اش سانچو پانزا، به آن حد از فهم عادی و خرد عملی دست می یابد که از بلا نجات می یابد. سروران مظهر ایمان و امید و خیرخواهی و عدالت و شجاعتند، ولی آنان بدون تدبیر و میانه روی نوکران به گمراهی دچار می شدند. شخصیتی که همه هفت فضیلت بزرگ^۸ را داراست مقامی فراتر از قهرمان رمان دارد، ولی هرگاه قهرمانی که بیشتر آن فضایل را داراست به یمن وجود یاور یا خادمی کامل گردد که دارای فضایی است که او فاقد آنهاست شاید داستان بزرگ و سحرآمیزی پدید آید.

همچنان که فضیلت‌های بزرگ در رمان‌های بزرگ به صورتهای بیشمار، گرچه غالباً در لفافه، ظاهر می شوند، گناهان کبیره نیز چنینند. ذکر یک نمونه برای هر یک از این گناهان فهرستی فراهم می آورد که به ناچار فاقد بسیاری دیگر از آثاری است که همپایه آن نمونه‌اند. با وجود این هرگاه غرور را مد نظر قرار می دهیم به یاد می آوریم که با چه درخششی در دامبی و پسر^۹ (۱۸۸۰) اثر چارلز دیکنز به کار گرفته شده است؛ خشم یادآور برادران کارامازف (۱۸۸۰) اثر فئودور داستایوسکی و موبی دیک (۱۸۵۱) اثر هرمن ملویل است؛ حسد خمیر مایه دخترعمو پت (۱۸۴۶) اثر اونوره دو بالزاک است؛ شهوت نمونه‌های فراوانی دارد که برخی از آنها این ردیلت را به صورتی ظریف عرضه کرده‌اند، از جمله کلاریسهارلو^{۱۰} اثر ساموئل ریچاردسون^{۱۱}، و برخی دیگر با

حاشیه:

(۱) برخی از داستان‌شناسان عمر رمان را به تقریب سیصدسال دانسته‌اند، از جمله:

Ian Watt, *The Rise of the Novel* (London: Penguin Books, 1977), pp. 13-15.

(۲) عهد جدید، رساله پولس رسول به غلاطیان، باب ۶، آیه ۷.

(۳) همان، رساله به عبرانیان، باب ۱۰، آیه ۳۰.

(۴) همان، رساله دوم بطرس رسول، باب ۲، آیه ۲۳.

(۵) همان، رساله پولس رسول به غلاطیان، باب ۶، آیه ۳.

6) *Pickwick Papers* 7) Sam Weller

(۸) هفت فضیلت بزرگ از لحاظ مسیحیت عبارتند از چهار فضیلت اخلاقی که تدبیر و میانه روی و شجاعت و عدالتند، و سه فضیلت دینی که ایمان و امید و خیرخواهی‌اند.

9) *Domby and Son* 10) *Clarissa Harlowe*

(۱۱) ساموئل ریچاردسون *Samuel Richardson* (۱۷۴۱-۱۸۰۲) رمان نویس انگلیسی.

در این مقاله مجال بررسی تاریخی رمان نیست، با وجود این بی فایده نیست به دون کیشوت (۱۶۰۵) اثر میگوئل د سروانتس اشاره کنیم که غالباً آن را نخستین رمان اصیل دانسته‌اند. داستان این رمان سرگذشت مرد محترمی است که مطالعه کتابهای قدیمی رمانس و سلحشوری عقل او را زایل کرده است؛ او ابلهانه لباس شوالیه‌ها بر تن می کند و به دنبال ماجرا پیش می تازد. او در قصه‌ای پریشان و گاه خشن و سرسری به مسخره گرفته می شود، کتک می خورد و تحقیر می شود، تا سرانجام در بستر مرگ، بلاهت آمیز بودن پندار واهی اش را درمی یابد.

بسیاری از مردم این کتاب را از طریق اقتباسهای تئاتری و سینمایی و اپرایی، و همچنین از طریق واژه *quixotic* که «برانگیخته از آرمانهای افتخارآمیز به دست نیامدنی» معنی می دهد و رواج عام دارد، می شناسند و آن را به طور سطحی می خوانند یا اصلاً نمی خوانند. ولی مطالعه دقیق رمان دلیل اصلی قدرت فوق العاده آن را آشکار می سازد. دون کیشوت نخستین نمونه ادبیات عامه پسند است که مضمون عمیقاً دینی آن عبارت است از پیروزشدن در عین شکست. مفهومی که ریشه محکمی در مسیحیت دارد. دون کیشوت که در برابر کسانی که با او بد رفتاری می کنند مؤدب و بزرگمنش است، و آماده است به هر قیمتی که هست به یاری درماندگان بشتابد و بر ظلم و جور بتازد، به وضوح از روستاییان کودن و اشراف بیرحمی که او را می آزارند و از او نفرت دارند والاتر است. ما او را دوست می داریم زیرا دیوانگی او مسیح وار است و پیروزی او اینجهانی نیست.

این مضمون در رمان‌های بیشماری تکرار شده است. یکی از بزرگترین این رمانها نامه‌های پیکویک^۶ اثر چارلز دیکنز است که در آن آقای پیکویک، که در ابتدا شخصیتی ابله و تقریباً لوده جلوه



چارلز دیکنز

مذهبی که تصویر می‌گردد از نوع مذهب کلیسای انجیلی است. در چنین مذهبی عامه مردم انتظار دارند که واعظ یا کشیش خود نمونه‌ای از فضیلت‌هایی باشد که به دیگران توصیه می‌کند واجد آنها باشند؛ به تعبیر سینکلر لوئیس^{۲۰} او یک «نیکمرد حرفه‌ای» است. ناکامی او در اینکه نیکمرد تمام عیاری باشد رمان را شیرین می‌سازد زیرا ریاکاری داستان جذاب‌تری است تا فضیلت. در المر گنتری^{۲۱} (۱۹۲۷) اثر سینکلر لوئیس تمام شیادیهای مقدس نمایی عامیانه برملا می‌گردد، و مضحک بودن جاذبه‌ای که برای مردم ساده دل و ساده‌اندیش دارد نشان داده می‌شود.

تصویر حقیقی‌تری از زندگی دینی بدان سان که کشیشان خوش نیت ولی بی‌بهره از استعداد روحی داشته‌اند در رمانهای آنتونی ترولوپ^{۲۲} یافت می‌شود. در سرپرست^{۲۳} (۱۸۵۵) شخصیت اصلی، عالیجناب سپتیموس هاردینگ^{۲۴}، مردی نیک ولی بزدل و ضعیف است و مشکل او به هنگامی که متهم می‌گردد بدون انجام کاری مقرر در یافت می‌دارد انتخاب بین اصول اخلاقی مسیحی و مقتضیات زندگی است؛ او به پیروی از افکار عمومی از شغل سرپرستی بیمارستان استعفا می‌دهد. در برجهای بارچستر^{۲۵} (۱۸۵۷)، که دنباله سرپرست است، ما با داماد عالیجناب هاردینگ، کشیش گرانتری^{۲۶} آشنا می‌شویم که با اشتیاق آرزوی جانشینی پدر را در سر می‌پرورد که اسقف است، زیرا او بلندپروازی دنیایی سفت و سختی دارد؛ ولی در فصل نخست کتاب، گرانتری می‌بایست تصمیم بگیرد که آیا حاضر است شغل اسقفی را به قیمت زندگی پدرش به دست بیاورد یا نه. او با تکیه بر ایمانش تصمیم می‌گیرد نه به فرمان بلندپروازی اش. صحنه‌ای که در آن در کنار بستر پدرش طلب بخشایش می‌کند تکان دهنده است و با استادی ساخته شده است. ذره‌ای مقدس‌نمایی یا تزویر در آن صحنه به چشم نمی‌خورد. گرانتری قدیس نیست ولی مردی است اصولی. در همین رمان خوش ساخت ما با یکی از زیردستان اسقف، آقای اسلوب^{۲۷}، آشنا می‌شویم که بلندپروازی مفرطش را در زیر ردای پرهیزگاری می‌پوشاند، و با عالیجناب دکتر ویزی استنهورپ^{۲۸} که مواجب کشیشی دریافت می‌دارد ولی در ایتالیا به تنعم زندگی می‌کند و کارش را به دوش کشیشان زیردستش بار کرده است. ترولوپ انواع زیادی از روحانیون را از برابر چشمهای ما عبور می‌دهد که برخی از ایشان به این دلیل از رسوایی اخلاقی نجات می‌یابند که کلیسای انگلستان نقش ویژه کشیشی را از شخصی که آن را انجام می‌دهد متمایز کرده است گرچه سوء استفاده از این تمایز را ناپسند دانسته است. ولی شخصیت‌هایی نظیر آقای هاردینگ سرپرست، و عالیجناب فرانسیس ارایین^{۲۹} که نمونه‌ای است از دانشمند-کشیش و روشنفکر، و عالیجناب جوسایا کرولی^{۳۰} که

صراحت، از جمله فانی هیل^{۳۱} اثر جان کله‌لند^{۳۲}؛ شکمبارگی مضمونی است کمتر متداول، گرچه شرایخواری که می‌توان آن را یکی از وجوه شکمبارگی دانست بسیار متداول است و در آسوموار^{۳۳} (۱۸۷۷) اثر امیل زولا کاویده شده است؛ آز مضمونی است متداول و پسر عمو پونس^{۳۵} (۱۸۴۷) اثر بالزاک آن را در لفاقه جنون جمع‌آوری اشیاء عتیقه نشان می‌دهد. این جنون در سیلون پونس^{۳۶} با آزی مرتبط است که شکمبارگی را در زرورق خوش خوراکی می‌پوشاند تا از زشتی آن بکاهد. تنبلی اوبلومف^{۳۷} اثر ایوان گنچارف^{۳۸} را به یاد می‌آورد که در آن این گناه تا بطنش کاویده شده است. بی‌تردید این فهرست کامل نیست، چه مثلاً بیرحمی که دیکنز نمونه‌های بسیاری از آن به دست داده است جز وهفت گناه کبیره^{۳۹} نیست؛ و حماقت هم که گوستاو فلوبر با ظرافت در مادام بوواری به نمایش گذاشته است جزو آن نیست؛ فخر فروشی هم نیست. این گناه اگرچه بزرگ نیست، در عالم بورژواها دلمشغولی رایجی است و در هیچ اثر دیگری به اندازه در جستجوی زمان گمشده اثر مارسل پروست موشکافانه تشریح نشده است. به واقع هر فضیلتی که به افراط کشیده شود به رذیلت بدل می‌شود، و گاه نیز رذیلت ممکن است رنگ فضیلت به خود گیرد. این امر عالم اخلاق را با وضع دشواری روبه‌رو می‌سازد، ولی رمان نویس را خوش می‌آید زیرا کامیابی او منوط است به تمایزهای ظریف، و به حرکت در جهت مخالف (enantiodromia)، یا گرایش صفات و عواطف به اینکه به ضد خود تبدیل شوند که حقیقتی شناخته شده در روان شناسی است. رمان نویسانی که کلیسا و کلیسایبان را مضمون اثر خود قرار می‌دهند غالباً بر نقصها انگشت می‌گذارند که تردیدی در وجود آن نقصها نیست، ولی تصویری که آنان از کل کلیسا به دست می‌دهند التفات‌آمیز نیست. این مطلب به‌ویژه هنگامی صادق است که

تکرار می‌گردد: مرد خوب ضعفهایی از خود نشان می‌دهد که او را به درد سر می‌اندازد، و نیروهای مخالف او - که به احتمال بیشتر بلاهت و سنت‌گرایی و خودپرستی اند تا شرارت عمدی - موقتاً پیروز می‌شوند. این خواننده است که خوبی قهرمان را درک می‌کند و پاس می‌دارد، و این امر در اثری که حسن هنری چندانی ندارد شاید فقط رضایت خاطری به خواننده بدهد حال آنکه در رمانهای بزرگ به او بیش و وسیع‌تری از زندگی و درکی از احساس دینی می‌بخشد که او قبلاً فاقد آن بوده است.

رمان‌نویس خوب به وسایل غیرمستقیم به این نتیجه دست می‌یابد؛ قصد او آموزش دادن نیست بلکه سرگرم کردن به منظور متقاعد کردن است. هدف عمده او، که اگر از آن منحرف شود به هنرش لطمه زده است، تصویر کردن زندگی بدان گونه است که می‌بیند، و طبع او هر چه را او لمس می‌کند به رنگ خود درمی‌آورد. طبع هنرمند همواره نجیب نیست؛ جامعیت جان هدف اوست نه کمال آن. بسیاری از رمان‌نویسان، که سینکلر لوئیس نمونه‌ای از ایشان است، آرمان‌گرایان سرخورده‌ای هستند که از زندگی خشمگینند زیرا زندگی با بهترین تصورات آنان هم‌نوا نیست، و خرده‌گیری آنان از دین، همچون سایر مضمونهای بزرگ، میل به تلخی دارد. نگرش ملایم ترولوپ موهبت نادرتری است.

می‌توان تا سر حد ملال نمونه ذکر کرد بی آنکه چندان حاصلی به دست آورد. اجازه بدهید به گفتن این مطلب بسنده کنیم که روان‌مغذب و ناآرامی چون داستایوسکی دین را مثل نویسنده‌ای چون

حاشیه:

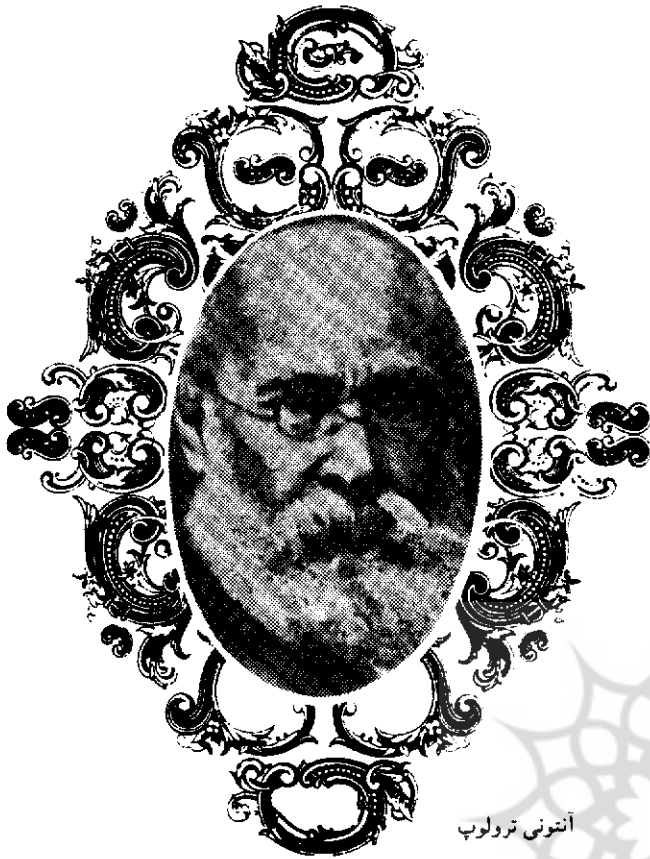
- 12) Fanny Hill
 13) جان کلند (John Cleland 1709-1789) رمان‌نویس انگلیسی.
 14) L'assommoir 15) Le cousin Pons
 16) Sylvain Pons 17) Oblomov
 18) ایوان گنچارف (Ivan Goncharov 1812-1891) نویسنده روسی.
 19) هفت گناه کبیره عبارتند از غرور، آز، شهوت، حسد، شکبارگی، خشم، و تبلی.
 20) سینکلر لوئیس (Sinclair Lewis 1885-1951) رمان‌نویس امریکایی.
 21) Elmer Gantry
 22) آنتونی ترولوپ (Anthony Trollope 1815-1882) رمان‌نویس انگلیسی.
 23) The Warden
 24) the Reverend Septimus Harding
 25) Barchester Towers 26) Archdeacon Grantly
 27) Mr. Slope
 28) the Reverend Dr. Vesey Stanhope
 29) Francis Arabin 30) Josiah Crawley
 31) The Private Memoirs and Confessions of a Justified Sinner
 32) جیمز هاگ (James Hogg 1770-1825) رمان‌نویس انگلیسی.
 33) آنتونی برجیس (Anthony Burgess) (1917-) رمان‌نویس انگلیسی.



سینکلر لوئیس

خالقش در وجود او غرور و فروتنی، مردانگی و ضعف، و هوشیاری زیرکانه و خشک اندیشی تلخ را درهم آمیخته است، روحانیون ترولوپ را سر بلند می‌سازند و این اعتقاد کاملاً انگلیسی و کاملاً ویکتوریایی او را تأکید می‌کنند که روحانیون لازم نیست قدیس باشند ولی باید مردان مطلقاً اصولی و محترمی باشند. المرگنتری، که نه این بود و نه آن، شباهت چندانی به چنین روحانیونی نداشت.

هیچ بحثی در باب این موضوع نمی‌تواند نقشی را که منش هنری و فکری رمان‌نویس در نمایش او از دین ایفاء می‌کند، و تأثیر آن را بر شخصیت‌هایش، نادیده بگیرد. هر نوع تعمیمی تردید برانگیز است، ولی به‌طور کلی می‌توان گفت آن طبعی که نویسنده را رمان‌نویس می‌سازد با مذهب رسمی سرسازگاری ندارد، و مبارزه مانوی بین تاریکی و روشنایی بیشتر با قصد او (نمایش انسان در جامعه) سرسازگاری دارد تا پابندی! تزلزل ناپذیر به یک کیش. البته استثنای مهمی نیز وجود دارد. تقدیر کالونیستی خمیر مایه خاطرات و اعترافات خصوصی یک گناهکار موجه^{۳۱} (۱۸۲۴) اثر جیمز هاگ^{۳۲} است. به تحقیق در بطن تمام آثار جیمز جویس، گراهام گرین، و آنتونی برجیس^{۳۳} اندیشه کاتولیکی وجود دارد، و روح ارتودوکسی یکپارچه‌ای به رمانهای الکساندر سولزنیستین دمیده شده است. ولی غالباً مضمون دون کیشوت



آنتونی ترولوب



آلدوس هاکسلی

تولستوی که متخلق به اخلاق عمیقتر و در عین حال محدودتری است نمی‌بیند. هیچ يك از این دو نویسنده روحیه‌ای شبیه به روحیه فلسفی و شوخ و قطعاً تحصّلی توماس مان ندارد. در رمانهای اینان و نویسندگان بشمار دیگر اگر پی چیزی بگردید که «زندگی واقعی» خوانده می‌شود، به جستجوی چیزی برخاسته‌اید که فقط به صورتی مبهم می‌توان تعریفش کرد. به گفته و لادیمیر نابوکف: «هر داستان بزرگ استادانه‌ای جهانِ نومایه‌ای است و به همین جهت بعید است با جهان خواننده مطابقت داشته باشد.» خواننده جدی به همان صورتی به چنین جهانهای نومایه‌ای می‌گذارد که با هر اثر هنری مواجه می‌شود. در جستجوی انبساط و روشن نگری. اگر رمان چنین حاصلی داشته باشد دریافت خواننده از «زندگی واقعی» دگرگون می‌شود.

خوانندگان جدی اکثریت خوانندگان را تشکیل نمی‌دهند، نویسندگان جدی نیز در اکثریت نیستند. لازم است از این خطای مهم برحذر باشیم که می‌کوشد هنر را منحصرأ بر حسب حدّ اعلاّی آن تعریف کند. فروتر از حدّ اعلاّی، رمانهای بشماروی وجود دارند که نمی‌توان آنها را واجد هیچ نوع شایستگی ندانست و کنار گذاشت؛ آنها شاید آثار کوچکی باشند، یا در سطحی فروتر از این، یا شاید بسیار عامه‌پسند باشند و به همین لحاظ تا حدّی تأثیر گذار. رمان پر فروش را نباید به این دلیل که بسیاری از مردم دوستش می‌دارند کنار گذاشت؛ همین محبوبیت خود نشان می‌دهد که بیشتر مردم چه چیزی را نمایش انسان در جامعه می‌دانند، و بنابراین نشانه‌ای است از اینکه آن مردم جامعه را چگونه می‌بینند. ادبیات عامه‌پسند حتی بیش از اینکه بنمایاند این خوانندگان چه چیزی را حقیقت می‌پندارند، نشان می‌دهد آنان آرزو دارند که چه چیزی حقیقت می‌داشت. این مطلب هم در مورد دین صادق است و هم در مورد بسیاری از چیزهای دیگر. چنین می‌نماید که بسیاری از خوانندگان علاقه‌مندند که دین از ورود به رمان معاف شود، چه به صورت مستقیم و چه به شکل

نوعی آگاهی از الوهیت (numinous). نویسندگان که این علاقه خوانندگان را نادیده می‌گیرند خویشتن را در معرض خشم ایشان قرار می‌دهند. آلدوس هاکسلی، که به چشم گروه مشتاق و کثیری از خوانندگان مظهر کامل شکاکیت دوران پس از جنگ جهانی اول بود، آنان را در سال ۱۹۳۶ با انتشار ناینین در غزه^{۳۲} حیرت زده و دلگیر کرد. در این رمان صدای عالم اخلاق و کاشف ایمان را که پیشتر در دنیای جدید زیبا^{۳۵} (۱۹۳۲) آشکار بود دیگر نمی‌شد ناشنیده گرفت. تجربه مشابهی نیز برای اولین و^{۳۶} رخ داد. آثار این نویسنده که هم طنزآمیز است و هم خنده‌دار (این دو اصطلاح مترادف نیستند) خوانندگان مشعوفی برای او دست و پا کرد. خوانندگان گرچه می‌دانستند که او کاتولیک است ولی تا سال ۱۹۴۵ که دیداری دیگر از برایدز هد^{۳۷} از خواننده می‌طلبید که مذهب رسمی کاتولیکی را امری بسیار جدی تلقی کند در نمی‌یافتند که او تا چه حدّ کاتولیک سرسختی است. توبه لرد مارچمین^{۳۸} را در بستر مرگ منتقدانی استهزاء کرده‌اند که نمی‌توانستند به خود بقبولانند که چنین چیزی می‌تواند حقیقت داشته باشد. اینکه شخص بذله‌گو و لوده ضمناً می‌تواند مردی مذهبی نیز باشد از لحاظ توده مذهبی امی، که بسیاری از آنان از جمله منتقدان بودند، تحمّل ناپذیر می‌نمود.

نکته مهم اینکه هاکسلی هنگامی روحیه جستجوگرش را که

زیر ظاهر شکاکش پنهان بود آشکار ساخت که چهل ساله بود؛ و اولین و و هنگامی خوانندگان را مجبور کرد با واقعیت گپیج کننده‌ای روبه‌رو شوند که چهل و دو ساله بود. هر دوی آنان نیمی از عمر را پشت سر گذاشته بودند که دگرگونی بنیادی روان‌شناختی مسائلی عرضه‌گرد که دیگر نمی‌شد آنها را مطرح ساخت یا از چشم خوانندگان پو شانند. زندگی تمام‌رمان‌نویسان جدی، بدون استثناء، نشان می‌دهد که استعاله‌ای از این دست در کار هنری‌شان رخ داده است. اگر دین به نحو کاملاً قابل تشخیصی رخ ننماید، روح خضوع دینی و نوعی اعتقاد اخلاقی در آثار نویسنده تجلی می‌یابد. بخصوص در اثری که بیش از همه مبین روحیات اوست.

در داستانهای عامه‌پسند، یعنی در رمانهای پرفروش، نویسنده دین یا ظواهر دین را به کار می‌گیرد (نه لزوماً از سر کهنه‌رندی) تا در خوانندگان این تصور را به وجود بیاورد که درباره مسائل جدی به تفکر و تعمق مشغولند. نمونه‌ای از این داستانها پرنندگان تیغی^{۳۹} (۱۹۷۷) اثر کالین مکلو^{۴۰} است که خوانندگان پیشماری آن را شگفت‌انگیز و حتی عمیق دانسته‌اند. کشیش از عشق خود دست نمی‌کشد زیرا این کار پا گذاشتن بر سر چیزی است که لازمه جامعیت اوست؛ به موقع، در هنگامی که مقام کاردینالی یافته است، پسر حرامزاده‌اش را به حرفه کشیشی وارد می‌کند.

در بطن کتاب کالین مکلو، و نظایر آن، چیزی نهفته است که نباید نادیده‌اش گرفت: مسیحیت تمایلات جنسی انسان را هرگز کاملاً بخش بالقوه شریفی از هستی او نشناخته است. این کتابها اعتراضی است نسبت به آن نگرش، و خواهان آن است که دین تمایلات جنسی و عنصر مشخصاً زنانه را بخشی از جان انسانی بدان‌سان که در هر دو جنس متجلی است به حساب آورد. تعارض بین روح زنانه والا و روحیه عذاب‌دهنده کاملاً مردانه با ظرافت در داغ‌تنگ^{۴۱} (۱۸۵۰) اثر ناتانیل هاتورن^{۴۲} کاویده شده است؛ عظمت هستریرین^{۴۳} رویاروی مذهب رسمی عاشق پنهانی‌اش، عالیجناب آرتور دیمسدیل^{۴۴}، قرار می‌گیرد و تردیدی وجود ندارد که روح کدام‌یک در حقیقت دینی‌تر است.

کتابهای پیشماری این مسئله را به شیوه‌ای بررسی کرده‌اند که شاید در حدّ اعلای توان نویسنده‌گانشان بوده است ولی توان ایشان را فقط می‌توان ناچیز خواند یا در پاره‌ای از موارد پوچ. یکی از نخستین نمونه‌های این نوع کتابها رمان پرترفدار آمبروسو یا راهب^{۴۵} (۱۷۹۵) اثر ماتيو گورگی لوئیس^{۴۶} است که در آن ظواهر کاتولیسیم در قصه‌ای از جنون جنسی زنانه، قتل، جادو، و شهوت نامطبوع آمیخته با کنایه‌هایی از همجنس‌بازی کاویده شده است. این رمان بی‌تردید بسیار خواندنی است، ولی تصور آن از الوهیت از صحنه‌های تفتیش

عقاید و پیمان بی‌معنی با شیطان فراتر نمی‌رود (نمونه‌ای زیبا از مضمون پیمان با شیطان دکتر فاستوس [۱۹۴۷] اثر توماس مان است). اثر منزجرکننده و گوتیک^{۴۷} لوئیس بدین لحاظ ذکر شد که پیشرو بسیاری از قصه‌هایی است که در آنها دین به شیوه‌ای که ویلیام شکسپیر «عسل چاشنی شکر» توصیفش کرده است به زشتکاری خدمت می‌کند.^{۴۸} ولی این رمانها عامه‌پسندند، و نمی‌توان انکار کرد که آنها نشان‌دهنده این واقعیت‌اند که بسیاری از مردم دین را چگونه می‌بینند. گوزیشت نتردام (۱۸۳۱) اثر ویکتور هوگو از لحاظ هنری نمونه عالیتری است. یهودی سرگردان (۱۸۴۴) اثر اوژن سو^{۴۹} اثر کوچکی است که در آن عقل‌گرایی فاقد اصول فرضی ژورنیت‌ها کاویده شده است.

لازم است اشاره‌ای بکنیم به گروه بزرگی از کتابها که از راز به‌مثابه بخش حاشیه‌ای داستانهایشان استفاده می‌کنند و نوعی شیطان‌پرستی رمانتیک به کار می‌گیرند تا فضایی شیطانی و منحط ایجاد کنند. دو اثر ژوریس - کارل هویسمانس^{۵۰} تحسین شده است: وارونه^{۵۱} (۱۸۸۴) که در آن کاتولیسیم چاره‌بدبینی فلج‌کننده‌ای دانسته شده است، و آنجا^{۵۲} (۱۸۹۱) که قهرمان آن حاشیه:

34) *Eyeless in Gaza* 35) *Brave New World*

۳۶) اولین رو Evelyn Waugh (۱۹۰۳-۱۹۶۶) رمان نویس انگلیسی.

37) *Brideshead Revisited* 38) *the earl of Marchmain*

39) *The Thorn Birds*

۴۰) کالین مکلو Colleen Mc Cullough (۱۹۳۷-) نویسنده استرالیایی.

41) *The Scarlet Letter*

۴۲) ناتانیل هاتورن Nathaniel Hawthorne (۱۸۰۴-۱۸۶۴) رمان نویس امریکایی.

43) *Hester Prynne* 44) *Arthur Dimmesdale*

45) *Ambrosio or The Monk*

۴۶) ماتيو گورگی لوئیس Matthew Gregory Lewis (۱۷۷۵-۱۸۱۸) نویسنده انگلیسی.

۴۷) رمان یا رمانس گوتیک به نوعی از داستان گفته می‌شود که وقایع آن در قرون وسطی روی می‌دهد و فضایی قرون وسطایی دارد. این شیوه و نام آن را هوراس والپول Horace Walpole (۱۷۱۷-۱۷۹۷)، نویسنده انگلیسی، با تحریر رمانسی موسوم به *Castle of Otranto, a Gothic Story* ابداع کرد.

۴۸) عبارتی که نویسنده از شکسپیر نقل می‌کند: «to have honey a sauce to sugar» از صحنه سوم پرده سوم نمایشنامه *As You Like It* اخذ شده است و بخشی است از این جمله:

«for honesty coupled to beauty is to have honey a sauce to sugar.»

ترجمه جمله فوق به تقریب این است: «چون درستکاری با زیبایی جفت شود بدان ماند که عسل چاشنی شکر گردد [که چندان شیرین می‌شود که دل را می‌زند].»

۴۹) اوژن سو Eugène Sue (۱۸۰۴-۱۸۵۷) رمان نویس فرانسوی.

۵۰) ژوریس - کارل هویسمانس Joris - karl Huysmans (۱۸۴۸-۱۹۰۷) نویسنده فرانسوی.

51) *A rebours* 52) *Là-bas*



می شد اگر نل بدون برخورد با هیچ مانعی هر چه می خواست می کرد. داستایوسکی در برادران کارامازف (۱۸۸۰) نمی تواند با همه استادی و توان هنری اش آلیوشای مقدس را به اندازه برادرش ایوان واقعی بنمایاند که مردی بود نیمه نیک و نیمه شریر. انسان جدید آگاه است که این تنش عنصری ناگزیر در زندگی خود اوست و آن را در داستان می پسندد.

تصویر قدرتمندی که لئو تولستوی در جنگ و صلح (۱۸۶۸) و آناکارنین (۱۸۷۸) از این تنش به دست داد او را هنرمند ادبی عالیمرتبه ای ساخت، ولی هنگامی که بعدها مصمم شد آثاری با لحن اصلاح گرانه آشکاری بنویسد آن شکوه و جلال از دست رفت. با وجود این ما می بایست با این اعتقاد عمیق تولستوی همدلی نشان دهیم که قوه محرکه هنر باید دینی باشد و احساس دینی را در اعلا ترین مرتبه اش در دسترس مردمی بگذارد که نه عابدند و نه فلسفی مشرب. این اعتقاد را در بسیاری از رمانهای درجه یک می توان مشاهده کرد.

در قلمرو وسیعی از ادبیات عامه پسند اخلاق مقبول ولی گاه خامی راه یافته است که هدفش بیش از هر چیز دیگر جلب رضایت خوانندگان است. در رمانهای وسترن (Westerns) قهرمان و ارزشهایی که او به حمایتشان برخاسته است بر ضد قهرمان که فاسد و بیرحم است و رفتارش یا زنان غالباً تحقیر آمیز است پیروز می شود. زیرا پیروزی ضد قهرمان در مبارزه، اسطوره لیاقت و شایستگی را که خوانندگان رمانهای وسترن ارزش می نهند باطل می کند. اخلاق ساده مشابهی نیز در بیشتر داستانهای علمی به چشم می خورد.

این نکته ای است معنی دار و مهم. به گفته گیلبرت چسترتون^{۵۷}: «مفروضات اساسی و انرژیهای جاودانی بشر را می توان در داستانهای ترسناک دو پولی و نوولت های یک پولی یافت» (Heretics, 1905). شمار زیادی از خوانندگان داستانهای پلیسی، بی آنکه به روی خود بیاورند، هواخواه اخلاق «خداوند می گوید انتقام از آن من است، من مکافات خواهم داد» هستند یا قانون خشن تر سفر خروج- «اگر فتنه ای دیگر پیش آید آن گاه جان به عوض جان بده، چشم به عوض چشم، دندان به عوض دندان، دست به عوض دست، و پا به عوض پا»^{۵۸}. چه کسی وسیله انتقام خداوند است، چه کسی قاتل یا دزد را به سزای عملش می رساند؟ البته کار آگاه بزرگ. خواه شرلوک هولمز^{۵۹} باشد که ماشین استنتاج خون سردی است؛ خواه پدر براون^{۶۰} خود چسترتون که اهل شفقت است؛ خواه پیتر ویسی^{۶۱} که اشراف زاده دانشوری است؛ و خواه نرو ولف^{۶۲} که روشنفکر بی تحرکی است، در هر حال کار آگاه بزرگ چهره ای است که در نمایش دینی قرون وسطی نیز، که گاه «تصحیح الهی» (Divine

از طریق سحر و جادو به جستجوی ایمان تسلی بخش بر می خیزد. در سطحی فروتر از لحاظ هنری رمانس دیرپای دراکولا (۱۸۹۷) اثر برم استاکر^{۵۳} قرار دارد که در آن مضمون عامه پسند خون آشامی خمیر مایه رویدادهاست. این کتابها را در هیچ بحثی در باب دین و رمان نمی توان نادیده گرفت زیرا آنها گواه این آرزو در گروه کثیری از عامه خوانندگانند که نازایی معنوی مسلم جهان را که برآمده از انقلاب صنعتی و علمی است چیزی تعدیل کند. اینکه عامه مردم به روح منفی سحر و جادو روی می آورند نه به چیزی امیدبخش تر تعجب انگیز نیست. هر گاه دین نیرویش را از دست بدهد، خرافات به سرعت جای آن را می گیرد، و به وحی یا جهش دینی نو و نیرومندی نیاز است تا آن حرکت را دیگرگون سازد.

تعجب انگیز نیست که هر گاه دین در این طبقه از ادبیات ظاهر می گردد کاتولیسیم و ارتودوکسی و عرفان یهودی (قباله) همدلانتر از پروتستانسیم با احساس دینی عامیانه یا تکامل نیافته سازگاری نشان می دهند. مذاهب اصلاح شده مسیحیت به خاطر شوقی که در نابود کردن خرافه دارند گاه چنین می نماید که هر گونه حس الوهیت را نیز به همراه خرافه نابود کرده اند، و شاید بتوان گفت که انسان نمی تواند بدون برخی از عناصر ایمان که عالمان سختگیر اخلاق آنها را در ردیف خرافه جای می دهند به آسودگی زندگی کند. روح انسان قادر نیست فقط به سوی جنبه مثبت و روشن حیات جذب شود؛ می بایست برای ایجاد تعادل بهره ای از عناصر تاریک و ناشناخته و ترسناک نیز داشته باشد. به خاطر همین کشش ناشناخته به سوی جنبه تاریک الوهیت است که حتی برای هنرمند ادبی بزرگ این همه دشوار است که شخصیتی کاملاً خوب و پسندیده تصویر کند. ضدقهرمانان دیکنر از قدرتی برخوردارند که مردان و زنان خوب او یافت نمی شود، و این هنرمند بزرگ معمولاً توازنی ایجاد می کند، از جمله در مغازه عتیقه فروشی^{۵۴} (۱۸۴۱) که لیتل نل^{۵۵} معصوم و مقدس رویاروی خیانت غریب کوئیلپ^{۵۶} کوتوله قرار می گیرد. این رویارویی تنش ایجاد می کند که به رمان حیات می بخشد، و رمان سست

رمان در بهترین حالتش يك اثر هنر ادبی است، و شکلی از سرگرمی در تمام سطوح، که با انسان در تمام وجوه زندگیش سروکار دارد از جمله، ولی نه لزوماً با نظر موافق، با زندگی دینی اش. اینکه پیوستگی رمان با دین به طور عمده از طریق اخلاق صورت می‌گیرد نه از طریق ایمان یا وحی نباید باعث تعجب کسی شود. رمان به هر کمالی که در اخلاق یا فلسفه دست یابد، سرشش اینجهمانی باقی می‌ماند.

حاشیه:

- ۵۳) برام استاکر Bram Stoker (۱۸۴۷-۱۹۱۲) نویسنده ایرلندی
 54) *The Old Curiosity Shop*
 55) *Little Nell* 56) *Quilp*
- ۵۷) گیلبرت چسترتون Gilbert Chesterton (۱۸۷۴-۱۹۳۶) نویسنده انگلیسی.
- ۵۸) عهد عتیق، سفر خروج، باب ۲۱، آیه ۲۳.
- ۵۹) شر لوك هولمز Sherlock Holmes قهرمان داستانهای پلیسی آرتور کونن دوئل Arthur Conan Doyle (۱۸۵۹-۱۹۳۰) نویسنده انگلیسی.
- ۶۰) پدر براون Father Brown قهرمان داستانهای پلیسی گیلبرت چسترتون.
- ۶۱) پیتر ویمسی Peter Wimsey قهرمان داستانهای پلیسی درونی سیرز Dorothy Sayers (۱۸۹۳-۱۹۵۷) نویسنده انگلیسی.
- ۶۲) نرو ولف Nero Wolfe قهرمان داستانهای پلیسی رکن استات Rex Stout (۱۸۸۶-۱۹۷۵) نویسنده آمریکایی.

● مشخصات کتابشناسی اصل این مقاله:

Davies, Robertson. «The Novel as Secular Literature,» *The Encyclopedia of Religion*, 1987. vol. 8, pp. 575-579.

(Correction) نامیده می‌شد، وجود داشت. او برقرارکننده توازن و مجری عدالت است و به نیابت از جانب قدرت برتری کار می‌کند.

همین الگو در داستان جاسوسی نیز مشاهده می‌شود که رقیب اصلی رمان پلیسی است. وسوسه‌هایی که جاسوس را وامی‌دارد به کشورش خیانت کند هر قدر که جذاب و قابل اغماض باشد، وضد جاسوس هر قدر که کند و خسته و سرخورده و شلخته باشد، در پایان خاتمه به ارزشهای برتری می‌بایست پیدا شود و جزای خیانت خود را ببیند. در این داستانها لحن غالباً بدبینانه است؛ خدمت جاسوسی غالباً نوعی بازی معرفی می‌گردد؛ ولی در ورای هر بازی آرزوی پیروزی نهفته است، و در نتیجه پیروزی برقرارکردن یا اثبات مجدد برتری. برتری چه؟ برتری اخلاق متعالی‌یی.

اخلاق تا چه حد با دین فرق دارد؟ از لحاظ رمان نویس اخلاق گاه شبیه مذهبی است که مردمی اختیار می‌کنند که می‌خواهند خدا را نادیده بگیرند، یا او را در ورای این حجاب نگه دارند که خدا بزرگتر از آن است که به کار علائق عادی بیاید. این شاید مذهب مردمی باشد که خدای همیشه حاضر را رفیق مزاحمی می‌دانند، زیرا آگاهند که نمی‌توانند همواره در کمال زندگی کنند، و باور ندارند که خدا نقایص آنان را درک می‌کند. ولی اثبات يك نظام اخلاقی بدون توجه به ارزشهای الهی کار دشواری است که فیلسوف به عهده می‌گیرد، و فراتر از چشم انداز حتی خوانندگان بسیار هوشمند است.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر کرده است

- تاریخ فلسفه در اسلام (جلد سوم)
تألیف میان محمد شریف
- ویروس شناسی عمومی
تألیف نورالدین هایبلی، محمد مهدی آل محمد
- فرهنگ اعلام کتاب مقدس
تألیف امیرجلال الدین اعلم
- دانشگاه الازهر
تألیف بایارد. داج
ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی
- تاریخ روان شناسی (جلد اول)
تألیف فرنان - لوسین مولر
ترجمه علی محمد کاردان
- مبانی مهندسی برق، کتاب اول: مدار
تألیف جرالده، بوتام، گرابل
ترجمه علی کافی
- بیماریهای صرعی
تألیف فریدون دانش